روزنه

اهمیت و جایگاه دیپلماسی رسانه‌ای در روابط ایران و روسیه

احمد وخشیته
دانشجوی دکترای علوم سیاسی

● به سن من قد نمی‌دهد؛ اما گمان می‌کنم ریش‌سفیدهایی که در کنفرانس «ایران و روسیه؛ پنج قرن همکاری» حضور داشتند که البته حق استادی بر من دارند، به یاد داشته باشند زمانی را که روابط کشورها در عرصه بین‌الملل در بعد سخت‌افزار تعریف می‌شد؛ یعنی همان دورانی که توپ‌ها، تانک‌ها و موشک‌ها حرف‌هایی برای گفتن داشتند و سیاست‌گذاری‌ها در عرصه بین‌الملل مبتنی بر این عوامل سخت‌افزاری گام بر می‌داشت. سال‌ها از عصر سخت‌افزاری می‌گذرد و اکنون به‌واسطه نقش فضای مجازی، دنیا در حال رنسانسی دیگر است؛ نوزایی‌ای که جهان پهناور دیروز را تبدیل به «دهکده جهانی» امروز کرده است و در این میان، روند دیپلماسی رسانه‌ای، عامل قابل‌تأملی در جایگاه کشورها در حوزه روابط بین‌الملل است. اکنون از آغاز روابط ایران و روسیه بیش از پنج سده می‌گذرد؛ روابطی که در دورانی سرد و تلخ بود و در زمان‌هایی روندی صعودی به خود گرفت؛ بسیاری از تحلیلگران و کارشناسان سیاسی، امروزِ روابط دو کشور را «دوران طلایی» می‌خوانند؛ من هم بر همین عقیده هستم؛ اما امروز می‌خواهم نگاهی آسیب‌شناسانه به این دوران طلایی داشته باشم و پرسشی را مطرح کنم: دیپلماسی رسانه‌ای چه جایگاهی در روابط ایران و روسیه در عصر فرانو دارد؟ هنگامی که کارشناسان و پژوهشگران قصد دارند مؤلفه‌هایی را برای گسترش روابط دو کشور ارائه دهند، به همکاری‌های نظامی دو کشور استناد می‌کنند یا از سامانه اس۳۰۰ می‌گویند که در این دوران طلایی سرانجام به ایرانی‌ها رسید. گویا عصر طلایی روابط دو کشور همچنان در سطح سخت‌افزاری به‌سر می‌برد و همچنان فقط همکاری‌های نظامی و ادوات جنگی در صدر توجه است؛ موضوعی که به نظر می‌رسد می‌تواند پاشنه آشیل مهمی در روابط دو ملت در درازمدت یا حتی میان‌مدت باشد. بدون شک ۱۰ دیدار رؤسای جمهور فعلی ایران و روسیه جایگاه ارزشمندی در روابط دو کشور دارد؛ همکاری‌های نظامی دو کشور در سوریه سبب شده سطح روابط تهران و مسکو در مسائلی بُعد استراتژیک به خود بگیرد؛ اما نباید فراموش کنیم آنچه ملت‌ها را به هم‌گرایی می‌رساند، استفاده از ابزار رسانه‌ها و فضای مجازی در دوران پساانقلاب اطلاعاتی است. پس از روی‌کارآمدن دولت اعتدال در ایران و تحقق برنامه جامع مشترک میان ایران و کشورهای ۱+۵، بسیاری از موانع پیش‌روی کرملین و پاستور برداشته شد و در این سال‌ها دیپلمات‌های سیاسی، امنیتی و نظامی دو کشور گام مهمی را در گسترش روابط برداشته‌اند اما نباید فراموش کنیم فرهنگ زیربنای گسترش روابط میان ملت‌هاست و در ورای همین امر است که همکاری‌های اقتصادی گسترش می‌یابد تا روابط سیاسی را مستحکم‌تر کند. امروز در روابط ایران و روسیه جای خالی قدرت نرم و دیپلماسی رسانه‌ای فعال به‌وضوح احساس می‌شود؛ در واقع مسئولان دو کشور در تلاش‌اند از بالا به پایین سطح روابط را گسترش دهند و به طیف استراتژیک نزدیک کنند. حال آنکه به نظر می‌رسد لازمه آن تلاش از پایین به بالاست؛ یعنی نزدیکی و فهم‌پذیری صحیح ملت‌ها از یکدیگر. تاریخ روابط بین‌الملل همواره به ما آموخته که افکار عمومی و عزم ملت‌هاست که حوادث مهم را رقم زده است و از همین روست که دیپلماسی فرهنگی و دیپلماسی رسانه‌ای که در عصر کنونی از آن به‌عنوان قدرت نرم یاد می‌شود، اهمیت دوچندانی یافته است. از سوی دیگر کشورهای رقیب نیز همواره از قدرت نرم بهره برده‌اند تا از هم‌گرایی ملت‌هایی که با آنها منافعی در تضاد دارند، جلوگیری کنند و حتی آن را به واگرایی تبدیل کنند؛ موضوعی که در رابطه با ایران و روسیه به‌خوبی صدق می‌کند. قدرت نرم جریان رقیب همواره کوشیده است با نفوذ بر افکار عمومی نخبگان و ملت ایران، همسایه شمالی را غیرقابل اعتماد جلوه دهد و قطع‌نامه‌هایی را یادآوری کند که در دوره تزاری به‌واسطه روحیه قدرت‌طلبی روس‌های آن دوران و بی‌تدبیر پادشاهان قاجار و با نیرنگ دولت‌های رقیب بر ملت ایران تحمیل شده بود. این تلاش‌ها حتی در دوران طلایی کنونی نیز نه‌تنها وجود دارد، بلکه شاید بتوان گفت تشدید نیز شده است. قدرت نرم جریان رقیب از یک‌سو و محقق‌نشدن دیپلماسی فرهنگی و رسانه‌ای فعال میان ایران و روسیه از سوی دیگر، سبب شده است تا در دوران کنونی نیز بسیاری اوقات با آشفتگی افکار عمومی دو کشور مواجه شویم که به علت فهم‌پذیری صحیح از موضوعی که در راستای منافع ملی دو کشور است، موضع و رویکردی در تقابل آن اتخاذ می‌کنند. باید پذیرفت که امروز دیگر رسانه‌ها همانند گذشته، تنها منعکس‌کننده رفتار سیاست‌مداران و کشورها نیستند، بلکه گاه به‌عنوان یک بازیگر فعال در میدان سیاست در تصمیم‌گیری‌ها نقش مؤثری ایفا می‌کنند. رسانه‌ها در انتخاب سیاست‌گذاری‌ها، نشان‌دادن چهره‌های مثبت و منفی برنامه‌ها، فرایند تصمیم‌سازی و نهایتا تصمیم‌گیری، نقش مؤثری دارند. از این رو جای خالی اتاق رسانه‌ای مشترک از نوع غیردولتی آن، تکرار می‌کنم «غیردولتی» آن، ضرورت دارد تا افکار عمومی واقعی دو کشور را به یکدیگر نزدیک کند؛ چراکه دیپلماسی رسانه‌ای می‌تواند ابعاد مختلف دیپلماسی فرهنگی مانند دیپلماسی موسیقی، دیپلماسی سینما و دیپلماسی کالاهای فرهنگی را میان دو ملت مطالبه کند.

politics@sharghdaily.ir

ماسیس مایلیان، وزیر امور خارجه جمهوری خودخوانده قره‌باغ کوهستانی در گفت‌وگو با «شرق»:

از عقد قرارداد صلح بسیار دور شده‌ایم

قرار نیست مناطق اطراف قره‌باغ را تحویل بدهیم

سالار سیف‌الدینی: در بسیاری از نقشه‌ها نام و نشانی از جمهوری قره‌باغ کوهستانی نیست، اما این دولت خودخوانده به‌عنوان یک واقعیت ژئوپلیتیک ازجمله بازیگران مهم قفقاز جنوبی است. از منظر ژئوپلیتیک «شناسایی دیپلماتیک» یک امر ثانوی است و دولت با تثبیت حکومت و اعمال حاکمیت بر یک قلمرو سرزمینی به منصه‌ظهور می‌رسد. جمهوری قره‌باغ کوهستانی تا به امروز توانسته بدون شناسایی ازسوی جهان خارج به حیات سیاسی خود ادامه دهد. هم‌زمان با روی‌کارآمدن گورباچف و طرح اصلاحات سیاسی و اقتصادی در اتحاد شوروی، زمزمه‌هایی از «جمهوری خودمختار قره‌باغ کوهستانی» برای الحاق به ارمنستان شنیده شد. در سال ۱۹۸۸ مجلس محلی این ناحیه که بخشی از جمهوری سوسیالیستی آذربایجان شوروی بود، طرح الحاق به ارمنستان را با اکثریت آرا تصویب کرد. براساس آخرین سرشماری رسمی در اتحاد شوروی نزدیک به ۸۰درصد مردم این ناحیه ارمنی بودند، بنابراین ترجیح می‌دادند تابع ایروان باشند که تنها چند ساعت با آنها فاصله داشت. هم‌زمان با فروپاشی شوروی در ۱۹۹۱ و اعلام استقلال جماهیر آن که براساس قانون اساسی اتحاد شوروی بود، جمهوری خودمختار قره‌باغ کوهستانی نیز اعلام استقلال کرد. این رخداد سرآغاز جنگی خونین میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان و درنتیجه مناقشه‌ای چندساله شد. این جنگ سبب شد که جمهوری‌آذربایجان زمین‌های بیشتری را علاوه‌بر قره‌باغ از دست بدهد. آنچه در ادامه می‌آید، گفت‌وگو با ماسیس مایلیان، وزیر امورخارجه این کشور خودخوانده است که تنها ایروان آن را به رسمیت می‌شناسد و ازسوی مجامع‌جهانی به‌طور کامل شناسایی نشده، اما به‌عنوان یک واقعیت زمینی از جمله بازیگران قفقاز جنوبی به‌شمار می‌رود. ایران با این منطقه ۱۳۸کیلومتر مرز مشترک دارد؛ یعنی صدکیلومتر بیشتر از مرز با جمهوری ارمنستان و این مسئله‌ای است که باید به آن توجه کنیم.

◣ قره‌باغ کوهستانی یکی از همسایگان ایران است، با حدود ۱۳۸ کیلومتر مرز مشترک. شاید بسیاری از ایرانی‌ها ندانند که چنین همسایه‌ای دارند، چون قلمرو شما روی نقشه دیده نمی‌شود. می‌خواهم بدانم که اصول حاکم بر دکترین سیاسی شما درباره ایران چیست؟

در مجموع ما نسبت به ایران رویکرد مثبتی داریم. ما سیاست ایران در قبال مناقشه قره‌باغ را ارج می‌نهیم؛ چون این یک سیاست متعادل است و عمدتا سیاست بی‌طرفانه را در پیش گرفته است. ما به یاد داریم که در نیمه نخست سال ۱۹۹۲، ایران به‌عنوان کشور میانجی در این مناقشه شرکت داشت و این امر نشانگر این است که ایران تمایل دارد که در این منطقه صلح برقرار باشد. در سال‌های اخیر همیشه شنیده‌ایم که تهران تمایل دارد نقش میانجی را ایفا کند. این نکته مهمی است؛ ایران با هر دو کشور درگیر مناقشه، مرز مشترک دارد.

جمهوری آرتساخ [قره‌باغ کوهستانی] به نوبه خود با سه کشور مرز مشترک دارد؛ جمهوری ارمنستان که در شرق واقع است، جمهوری آذربایجان در غرب و ایران در جنوب. ما با ارمنستان روابطی بسیار عالی داریم. با جمهوری آذربایجان در وضعیت جنگ و درگیری هستیم و متأسفانه مرزمان با ایران فعال نیست. ما علاقه‌مندیم که با همه همسایگانمان، ازجمله جمهوری آذربایجان روابط خوبی داشته باشیم. نیازی به گفتن نیست که روابطمان با ایران بسیار طبیعی خواهد بود و ما تمایل داریم که مرزمان با ایران مرزی فعال باشد.

◣ شما وزیر امور خارجه کشوری هستید که مورد شناسایی بین‌المللی قرار نگرفته است. چگونه با دنیا روابط برقرار می‌کنید؟

من هیچ‌چیز غیرمعمولی در این امر نمی‌بینم. کشور ما در سال ۱۹۹۱ تأسیس شد و طبیعی است که ما به‌عنوان یک ملت و به‌عنوان دولت در تلاشیم تا به رسمیت بین‌المللی دست یابیم و روابط خارجی داشته باشیم. تمام اقدامات تعریف‌شده برای یک کشور شناخته‌شده برای ما نیز تعریف شده است. این امر که جمهوری آرتساخ از طرف کشورهای عضو سازمان ملل شناسایی نشده، دلیلی بر نبود ما نیست. در تاریخ تجربه‌های بسیاری از کشورهایی است که تأسیس شده‌اند، ولی دهه‌ها بعد به رسمیت شناخته شده‌اند. مثلا کشور سوئیس چندصد سال بعد به رسمیت شناخته شد؛ پس کمک به روند رسمیت‌یابی، یکی از اقدامات اساسی ماست. این رویکرد برای توسعه امن کشور و ایجاد شرایط مطلوب خارجی است. ما این کارها را انجام می‌دهیم. باوجوداین، یک‌سری اقدامات دیگر نیز هست؛ ازجمله شرکت در گفت‌وگوهای بین‌المللی. در ضمن خاطرنشان کنم که نکاتی در کنوانسیون مونته ویدئو در سال ۱۹۳۳ برای به‌رسمیت‌شناختن کشورها وجود دارد. یکی از این نکات این است که هر کشوری که در پی رسمیت‌یابی است، باید بتواند روابط خارجی خود را اداره کند. دراین‌راستا، وضعیت ما با تمام معیارهای این کنوانسیون مطابقت دارد، ازجمله درزمینه برقراری روابط. ما از طرف نهادهای مختلفی شناخته شده‌ایم که عضو سازمان ملل نیستند؛ به‌این‌معنا که آنها هم عضو نیستند ولی ما با آنها رابطه داریم. به‌عنوان‌مثال بعد از این مصاحبه با هیئتی از نمایندگان مجلس محلی «ایالت کالیفرنیا» دیدار داریم. کالیفرنیا کشور مستقل شناخته‌شده‌ای نیست، ولی اقتصاد بسیار بزرگی دارد که حجم آن بیشتر از بسیاری از کشورهای مستقل دنیاست.

◣ اگر به سمت قرارداد صلح دائم با باکو بروید، احتمالا باید بخشی از این مرزها و نواحی هفتگانه را که شامل مرز با ایران هم است واگذار کنید. منظورم منطقه‌هایی است که خارج از قره‌باغ کوهستانی قرار دارند. بنابراین ممکن است در صورت انعقاد قرارداد صلح همسایگی ایران و قره‌باغ کوهستانی منتفی شود؟!

باید بگویم ما خارج از آرتساخ سرزمینی نداریم. هرچه داریم تماما آرتساخ است. البته خارج از آرتساخ سرزمین‌ها/ استان‌هایی داریم که هم‌اکنون تحت حاکمیت ما نیستند. مثلا استان شاهومیان که درحال‌حاضر تحت کنترل جمهوری آذربایجان است و بخش‌هایی از مارتاکرت و بخش‌هایی از استان مارتونی. یعنی ۱۵ درصد از آن سرزمینی که جمهوری آرتساخ یا جمهوری قره‌باغ کوهستانی اعلام شده است، هنوز تحت کنترل جمهوری آذربایجان است. طبق قانون اساسی ما صلاحیت آرتساخ بر تمام آن سرزمین‌هایی گسترده می‌شود که تحت کنترل مقامات آرتساخ است. این نظر و خواست مردم ماست. یعنی هم در پایتخت، استپاناکرت و هم مثلا در کرانه چپ رودخانه ارس، قانون یکسانی وجود دارد و همان حوزه قانونی وجود دارد؛ هیچ تفاوتی وجود ندارد.

◣ آیا این رویکرد با مذاکراتی که در قالب گروه مینسک پیش می‌رود نیز همخوانی دارد؟

از ۱۹۹۷ این مذاکرات از لحاظ شکلی تحریف شده است. از این دوره آرتساخ به‌صورت محدود در مذاکرات شرکت می‌کند ولی قبلا به‌طور کامل در مذاکرات شرکت می‌کرد. از سال ۱۹۹۷ به این سو، در ۲۰ سال اخیر، میانجی‌ها حضور دارند و در تلاش‌اند تا بسته‌ای از اصول به‌وجود بیاورند که براساس آن ادامه مذاکرات میسر شود. ما به‌عنوان حکومت قره‌باغ کوهستانی، از سوی سازمان امنیت و همکاری اروپا که سازمان میانجی است، به‌عنوان طرف مناقشه شناخته شده‌ایم؛ یعنی در اسناد و مدارک به‌صراحت عنوان شده است که قره‌باغ کوهستانی یکی از طرف‌های درگیر مناقشه است. یعنی در اسناد آنها به‌وضوح عنوان شده است که این درگیری سه طرف دارد- دو کشور که عضو سازمان امنیت و همکاری اروپا هستند و طرف سوم که قره‌باغ کوهستانی است. این نکته مهمی است که در اسناد سازمان امنیت و همکاری اروپا ذکر شده است. از سال ۱۹۹۷ به این سو، تلاش می‌شود طرفین بر سر یک سری اصول توافق کنند که بر اساس آن ادامه مذاکرات میسر خواهد شد. هم‌اکنون به مفهوم کلاسیک مذاکراتی انجام نمی‌شود. درحالی‌که تا سال ۱۹۹۷ این‌چنین نبود. هم‌اکنون مذاکرات بیشتر به دیپلماسی رفت و برگشت شباهت دارد. به این معنا که رؤسای هم‌ردیف [گروه مینسک] به پایتخت کشورها می‌روند و تلاش می‌کنند تا طرف‌های درگیر مناقشه را بر سر یک‌سری اصول به توافق برسانند. الان اصول مادرید بر سر میز مذاکره است. وزرای خارجه ارمنستان و جمهوری آذربایجان هرچندوقت یک‌بار، سالی یک یا دو بار با هم ملاقات می‌کنند. شاید هم ملاقاتی صورت نگیرد. در بهترین شرایط شاید رؤسای جمهور دو کشور با هم ملاقات کنند. به‌طور مثال رؤسای جمهور دو کشور دو دیدار داشتند که اساسا درباره جنگ آوریل بود. در هفته جاری رؤسای هم‌ردیف [گروه مینسک] در منطقه بودند. هم‌اکنون در تلاش هستیم تا دیداری جدید در سطح رؤسای جمهور [دو کشور] برنامه‌ریزی کنیم. یعنی بیش از یک سال است که رؤسای جمهور ارمنستان و جمهوری آذربایجان دیداری نداشته‌اند. آخرین دیدار آنها در جولای ۲۰۱۶ در سن‌پترزبورگ بود. به عبارتی یک‌سال‌و چند ماه است که هیچ دیداری بین رؤسای جمهور انجام نگرفته است. من اینها را توضیح می‌دهم تا شما متوجه شوید که هیچ روند مذاکره‌ای وجود ندارد. ما از حصول توافق یا امضای سند بسیار دور هستیم. هم‌اکنون موضوع اصلی حفظ صلح و ثبات در منطقه است و تلاش میانجی‌ها در این راستاست.

◣ ولی با توضیحاتی که شما دادید باید فرض را بر این گذاشت که حتی این مناطق را هم ارضی قره‌باغ کوهستانی حساب می‌کنید؟!

لابد! من باید اضافه کنم که ازآنجایی‌که صحبت از جنگ آوریل شد، من توضیح دادم که روند صلح به چه صورت پیش می‌رود. باید بگویم که جنگ آوریل ۲۰۱۶ ما را از امضای هرگونه پیمان سیاسی دورتر کرده است؛ یعنی جنگ آوریل که از سوی جمهوری آذربایجان شروع شد ضربه بزرگی بر روند صلح بود.

◣ می‌خواهم درباره نقش روسیه در جنگ آوریل ۲۰۱۶ سؤال کنم. فکر می‌کنید که چرخش محسوسی در سیاست روسیه به نفع باکو ایجاد شد و این باعث شد که جنگ آوریل شروع شود؟

فکر نمی‌کنم تغییری در موضع روسیه صورت گرفته باشد. روسیه، ایالات متحده آمریکا و فرانسه، ریاست مشترک گروه مینسک را بر عهده دارند و رویکرد توافقی درباره صلح را در این منطقه در پیش می‌گیرند. اگر بخواهیم درباره جنگ آوریل صحبت کنیم، باید بگویم، اتفاقا روسیه در اتمام جنگ فعال‌تر بود و این نقش را با توافق دو کشور دیگر بر عهده گرفت؛ چون از بین رؤسای هم‌ردیف گروه مینسک فقط روسیه ابزار مناسب تأثیرگذار بر طرفین را در زمان جنگ دارد. به‌طورکلی در روند حل‌وفصل درگیری هر چند وقت یک بار شاهد این هستیم که یکی از سه کشور نقش ویولن اول را بر عهده می‌گیرد. به این معنا که ما مواردی را به یاد داریم که آمریکا فعال‌تر بود و خودش رؤسای جمهور را دعوت کرده است؛ یا رئیس‌جمهور فرانسه یا مثلا رئیس‌جمهور روسیه، ممکن است رؤسای جمهور دو طرف را دعوت کند.این امر با توافق کشورهای دیگر انجام می‌شود و هنگام چنین دیدارهایی سه رئیس هم‌ردیف گروه مینسک حتما حضور دارند. این امر نشان‌دهنده این است که این یک رویکرد توافقی است و هر کشوری که ابزار تأثیرگذاری بیشتری دارد، این مسئولیت به آن محول می‌شود. تصادفی نیست که از روز اول جنگ آوریل تا روز آخر جنگ، پنج آوریل، با میانجیگری روسیه، طرفین به توافق شفاهی آتش‌بس رسیدند تا به اجرای پیمان آتش‌بس ۱۲ می ۱۹۹۴ برگردند که در آن زمان هم روسیه بسیار فعال بود.

◣ تا جایی که می‌دانم گروه مینسک کشورهای جهان را از فروش اسلحه و تسلیحات به هر دو کشور، هم جمهوری آذربایجان و هم ارمنستان، ممنوع کرده است، ولی روسیه در چهار سال اخیر نزدیک شش میلیارد دلار اسلحه به جمهوری آذربایجان فروخته، این هم خارج از ترتیبات گروه مینسک است. ممکن است که روسیه یک رویکرد در گروه مینسک و یک رویکرد جدا، خارج از آن داشته باشد؟

کشورهای «اروپای غربی» به توافق رسیده‌اند که به کشورهای طرف درگیری اسلحه نفروشند؛ یعنی فروش اسحله به ارمنستان یا جمهوری آذربایجان از سوی روسیه از منظر حقوقی نقض قانون نیست و تخلف محسوب نمی‌شود. روسیه هم‌پیمان جمهوری ارمنستان است و به قیمت «بازار داخلی» به ارمنستان اسلحه می‌فروشد؛ یعنی با قیمتی پایین‌تر نسبت به باکو. درباره روابط هم‌پیمانی قراردادهای زیادی بین روسیه و ارمنستان وجود دارد.

ادامه در صفحه ۱۹

کوتاه دیپلماسی

سخنگوی وزارت امور خارجه اعلام کرد:

قتل جوان ایرانی را پیگیری می‌کنیم

● **ایسنا:** بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت امور خارجه، گفت: «از طریق کانال‌های مختلف و نیز سفارت سوئیس در تهران در حال پیگیری موضوع قتل جوان ایرانی در آمریکا بوده و خواستار توضیح دراین‌باره هستیم». قاسمی گفت: «ما از کانال‌های موجود و ممکن مسئله را پیگیری کردیم. با توجه به قتل مشکوک و شلیک غیرمتعارف پلیس آمریکا با تمام توان این مسئله را در دست بررسی داریم و به‌محض اینکه به اطلاعات دقیق برسیم، اطلاع‌رسانی خواهیم کرد».

فرانسه: موشک‌های ایران مطابق با قطع‌نامه ۲۲۳۱ نیست

● **ایسنا:** وزارت امور خارجه فرانسه با اعلام تعهد پاریس به اجرای دقیق برجام مدعی شد: «برنامه موشکی بالستیک ایران مطابق با قطع‌نامه‌های سازمان ملل نیست و این موضوع باید مورد رسیدگی قرار گیرد». به گزارش خبرگزاری رسمی کویت، آنیس روماته اسپاین، سخنگوی وزارت امور خارجه فرانسه تأکید کرد: «توافق هسته‌ای با ایران که مورد تردید واشنگتن قرار گرفته، توافقی محکم و قوی است که اجرای درست آن موجب دور نگه‌داشتن برنامه هسته‌ای ایران از انحراف به سمت اهداف نظامی می‌شود». او افزود: «فرانسه مایل به مذاکره مجدد یا اصلاح توافق هسته‌ای با ایران نیست اما توسعه موشک‌های بالستیک ایران و آزمایش آنها مشکلی جدی در زمینه قطع‌نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل محسوب می‌شود». سخنگوی دستگاه دیپلماسی فرانسه ادامه داد: «درباره برنامه موشکی بالستیک ایران باید بگویم که مطابق با قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت نیست و منطقه را بی‌ثبات می‌کند. این یک نگرانی است که باید به‌همراه متحدان اروپایی و آمریکایی خود مستقل از توافق وین به آن رسیدگی کنیم.» همچنین وزیر امور خارجه آمریکا هم قرار است در سفر به فرانسه و دیدارهایش با مقامات ارشد این کشور اروپایی درباره مسائل مختلف از جمله ایران، سوریه، لبنان و کره شمالی گفت‌وگو کند. به گزارش ایسنا، به نقل از خبرگزاری رسمی کویت (کونا)، رکس تیلرسون قرار است در سفر اروپایی هفته آینده خود به فرانسه، بلژیک و اتریش برود تا با مقامات این کشورها دیدار کند.